



روایتی از اشتغال زایی و چالش‌های کاری فرشته نقوی
بانوی فعال در حوزه بازیافت و آسیاب ضایعات پلاستیکی در مشهد

کارآفرینی از دل ضایعات شهری

➤ زانی که نان آور خانه‌هایشان هستند

دستگاه غول‌پیکر آسیاب در گوشه‌ای از کارگاه قرار گرفته است تا بعد از پایان کار، کیلوکیلو ضایعات را ببلعد و به صورت تکه‌های ریز که به آن «پرک» می‌گویند، تحویل بدهد. ۳ نفر از ۶ بانویی که در این کارگاه فعالیت می‌کنند در حال کار هستند. ماسک و دستکش دارند و لباس‌هایی که بر تن دارند، برای کار کنار گذاشته‌اند. هر کدام گوشه‌ای از کیسه را به دست می‌گیرند و ضایعات را مانند تپه‌ای روی زمین می‌ریزند. حالا نوبت تفکیک ضایعات پلاستیکی براساس نوع، رنگ و جنس آن‌هاست. بانوان این روستا از خانواده‌هایی هستند که بضاعت مالی چندانی ندارند. بعضی از آن‌ها مرد خانه‌شان درگیر آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد است و باید خرج خانه و زندگی را تأمین کنند. تعدادی دیگر نیز سرپرست خانوار هستند. البته محیط این کارگاه زنانه است و همین موضوع موجب می‌شود بسیاری از مردان به کار دختران یا همسرانشان در اینجا رضایت بدهند.

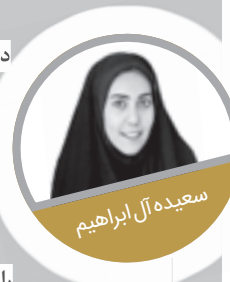
نقوی متولد سال ۵۹ است. او، خواهر و برادرانش دوره کودکی و نوجوانی خود را در خانه‌های استیجاری دورتادور شهر مشهد می‌گذرانند اما بعد از آن، در کنار پدر بزرگ و مادر بزرگ خانواده در روستای کافی ساکن می‌شوند. پدر خانواده، کارگر ساده بود و برای گذران زندگی، مادر نیز باید کاری می‌کرد. از هنر خیاطی‌اش برای آشنا و اهالی محل استفاده می‌کرد تا یک گوشه زندگی را بگیرد. «وضع مالی خوبی نداشتیم، اما پدر و مادرم جزو قشر زحمت‌کش بودند و تا جایی که در توان داشتند، ما را تأمین می‌کردند. می‌خواستیم کار کنیم و کمک خرج خانواده باشیم، اما شرایط آن پیش نیامد.»

➤ جسته‌گریخته کار می‌کردم

نقوی از بانوانی است که با وجود ازدواج درسش را ادامه می‌دهد و با تولد فرزند دومش، فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی علوم اجتماعی می‌شود. علاقه‌اش به کار موجب می‌شود سراغ کارهای جسته و گریخته دیگری نیز برود. مدتی به عنوان کارپرداز در شرکتی خصوصی کار می‌کرد و دوره‌ای در خانه شیرینی و کیک می‌پخت. «به این دلیل که بچه‌هایم تقریباً پشت سر هم به دنیا آمدند و باید به آن‌ها رسیدگی می‌کردم، نمی‌توانستم به صورت ثابت در جایی مشغول به کار شوم و برآیم سخت بود. بعد از اینکه بچه‌هایم از آب و گل درآمدند به فکر راه‌اندازی شغل بهتری افتادم.»

همیشه شغل بازیافت برای نقوی جالب بوده است و معتقد است همین که از

کارآفرینی شاید به حرف ساده باشد، اما در واقعیت، دشواری‌ها و حتی از خودگذشتگی‌هایی لازم دارد تا به نتیجه برسد. این افراد آدم‌های دغدغه‌مندی هستند که می‌خواهند تعداد بیشتری از مردم از خیر و برکت کار آن‌ها بهره‌مند شوند. در این میان، کارآفرینانی هستند که خوشبختانه تا اندازه‌ای مسیر برایشان هموار شده است و پیش می‌روند، اما کسانی نیز هستند که مدت‌هاست با چنگ و دندان کسب و کارشان را نگه می‌دارند. این در حالی است که به گفته آن‌ها، گره کارشان به راحتی به دست مسئولان باز می‌شود. روزهای اول آبان است و انگار ابرهای سفید روی فرش آبی آسمان دورهمی دارند. به سمت آرامگاه فردوسی حرکت می‌کنیم و در کوچه‌های بولوار شاهنامه، سراغ سوله‌ای می‌رویم که سعی می‌کند دور ریز مواد لاک‌ی و پلاستیکی در مشهد را به حداقل برساند. بانو فرشته نقوی صاحب این کارگاه است. او زنی است که در حوزه بازیافت و آسیاب مواد و ضایعات پلاستیکی در مشهد فعالیت می‌کند. با اینکه در تصور بیشتر ما بازیافت شغلی مردانه محسوب می‌شود، او همه کارکنان خود را نیز از میان زنان انتخاب می‌کند و کارگاه بازیافت را به محیطی امن برای فعالیت بانوان بدل کرده است.



پیش از اینکه از در قهوه‌ای سوله عبور کنیم، کیسه‌های پلاستیکی‌ای که روی زمین خاکی چیده شده‌اند، نشان‌دهنده کاری است که در دل این کارگاه جریان دارد. از ابتدای در ورودی کارگاه تا جایی که چشم کار می‌کند کیسه‌های بزرگ پر از پلاستیک و ضایعات روی هم تلنبار شده است. هر نیرویی روزانه و به طور متوسط می‌تواند ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلو ضایعات تفکیک کند. با این حساب، اگر بار درشت باشد، تنها ۱۰ نفر از نیروها می‌توانند ۲ تن بار را در روز جداسازی کنند. سطل زباله، سبدهای رنگی میوه، بشکه‌های آبی، دبه‌های سفیدرنگ، شیشه‌های پلاستیکی نوشابه و ضایعاتی که در خانه‌های همه‌مان دیده می‌شود، جمع‌آوری و سرانجام به کارگاه‌هایی مانند اینجا فرستاده می‌شود تا آسیاب شود و دوباره به شکل یک کالا دربیاید. نور چراغ‌ها کفاف روشنایی کارگاه را نمی‌دهد و باید درها چهارطاق باز باشند تا از نور آفتاب استفاده کنند.